

دو فصلنامه علمی - ترویجی
سال پانزدهم - شماره پیاپی ۴۷
بهار و تابستان ۹۴

بررسی سیره فرهنگی عالمان دینی* در تدوین غیبت نگاری و ترویج فرهنگ مهدوی

علی خدیوی**

چکیده

غیبت نگاری روشی برای ترویج فرهنگ مهدویت و ارزش‌های جامعه اسلامی است که از زمان حیات امام رضا (ع) بحث از غیبت امام زمان (عج) به صورت علنی مطرح می‌شود. این موضوع قبل از آن، یک مسئله سری و از اسرار آل محمد(ص) به شمار می‌آمده است و فقط تعدادی از خواص از این مسأله مطلع بودند؛ از آن زمان تاکنون غیبت نگاری به یکی از عرصه‌های فعالیت فرهنگی عالمان دینی تبدیل شده است.

نگارنده در این مقاله به بررسی تحلیلی انگیزه‌های مختلفی که باعث شده غیبت‌نگاری به طور جدی انجام پذیرد پرداخته و آن‌ها را در شش گروه دسته‌بندی نموده است.

براساس یافته‌های پژوهشی این مقاله، عالمان دینی با استفاده از ابزارهای فرهنگی از جمله توان قلم و بیان خویش توانسته‌اند این

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۲۸

* تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۱

** عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه صنعتی سهند

موضوع را به یکی از موضوعات مهم و مطرح جامعه بشری تبدیل نمایند و امروز مسأله غیبت و ظهور امام زمان موضوعی است که در هیچ یک از جوامع بشری ناشناخته نیست و به خوبی توانسته‌اند از ظرفیتهای فرهنگ مهدویت در اصلاح جامعه و آماده سازی جوامع اسلامی برای پذیرش ارزش‌ها و ظهور امام عصر (عج) بهره ببرند.

واژگان کلیدی: غیبت‌نگاری، مهدویت، نقش فرهنگی عالمان دینی، فرهنگ انتظار، مدعیان دروغین.

مقدمه

غیبت امام زمان (ع)، یکی از مسائل مهم جامعه اسلامی به ویژه جامعه شیعه می‌باشد. هرچند که مسئله مهدویت موضوعی فرا اسلامی است و ویژه شیعیان یا مسلمانان نیست؛ بلکه اعتقاد به منجی در همه ادیان آسمانی به نوعی مطرح است؛ اما مراد از غیبت در این مقاله، غیبت امام زمان (ع)، است که امام دوازدهم شیعیان می‌باشد.

این موضوع تا زمانی که به عنوان یک سرّ در میان خواص و اصحاب سرّ اهل بیت مطرح بوده، در فرهنگ عمومی مردم مطرح نبوده است و به عنوان یک مسئله جدی در ردّ یا قبول آن در جامعه اسلامی و میان شیعیان و غیر شیعیان تقابل و کشمکش وجود نداشته است. اما از زمان حیات امام رضا (ع) بنا به دلایلی این موضوع وارد سطح فرهنگ عمومی شیعیان می‌شود و تا به امروز به عنوان یک مسئله جدی و مسئله‌ای که در سطح جهانی مطرح است، پیش می‌رود.

از زمانی که موضوع غیبت علنی شده است، غیبت نگاری و نگارش احوال، چگونگی، ضرورت غیبت، زمان و مسائل مربوط به آن شروع به نگارش شده است.

با بررسی علل و عوامل و انگیزه نویسندگان کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع مهدویت و به ویژه مسئله غیبت به یک دسته بندی خاص می‌توان دست یافت که انگیزه نویسندگان را به شش گروه تقسیم می‌نماید.

گروه اول: آن دسته از غیبت نگارانی هستند که برای توجیه اندیشه فرقه واقفیه و یا دیگر فرق، دست به نگارش زده‌اند و گروهی که در جواب آن‌ها و برای ردّ ادعای آنها اقدام به غیبت‌نگاری کرده‌اند.

گروه دوم: گروهی که به منظور توجیه شیعیان زمان امامان عسکریین و یا دوره غیبت صغری اقدام به غیبت‌نگاری کرده‌اند و تلاش نموده‌اند که شیعیان را از نظر روحی و اعتقادی برای رویارویی با این مسئله مهم و سخت آماده نمایند.

گروه سوم: گروهی که در ردّ شبهات اهل سنت و مورد مهدویت از زمان شروع غیبت صغری تا به امروز اقدام به غیبت‌نگاری کرده‌اند.

گروه چهارم: گروهی که کار آن‌ها را یک نوع تک‌نگاری نیز نامید و برای ردّ و مقابله با مدعیان دروغین جریان‌های انحرافی که خاستگاه آن‌ها مسئله مهدویت بوده است؛ مانند مبارزه با اندیشه بهائیت یا حجتیه و ... قلم فرسایی کردند.

گروه پنجم: گروهی که برای ترویج ارزش‌های دینی و آماده سازی جامعه اسلامی برای ظهور و ترویج فرهنگ انتظار تلاش نموده‌اند و از ظرفیت احادیث مربوط به دوره‌ی آخرالزمان در این باره بهره جسته‌اند.

گروه ششم: گروهی هستند که سعی کرده‌اند از طرف جریان مهدویت در آینده پژوهی و طرح مدیریت جامعه جهانی و جهانی شدن بهره ببرند و سمت و سوی حرکت جامعه را به سوی اهداف خویش تغییر دهند.

در همه این گروه‌ها نقش فرهنگی عالمان دینی و روش برخورد آنها با مسئله غیبت و چگونگی فرهنگ‌سازی نقش برجسته و اصلی است. عالمان

دینی که معمولاً قدرتی فراتر از قدرت قلم و بیان و محبوبیت اجتماعی و مرجعیت علمی نداشته‌اند؛ به خوبی توانسته‌اند این مسئله مهم را در جامعه جهانی امروز مطرح و از ظرفیت‌های آن در اصلاح جامعه و آماده‌سازی جامعه اسلامی برای ظهور و تشکیل حکومت جهانی بهره ببرند.

گروه اول: غیبت نگاری طرفداران واقفیه

تاریخ غیبت نگاری به پیش از ولایت امام زمان (ع) می‌رسد. سالها قبل از غیبت کتابها نوشته شده است و بخش قابل توجهی از کتاب‌هایی که در اواخر قرن دوم نگاشته شده؛ مربوط به فرقه واقفیه است. فهرست نگاران هفت کتاب معروف به «الغیبه» را به واقفیه‌ها نسبت داده‌اند. (غلامعلی، مهدی، ۱۳۸۶). واقفیه معتقد بود که امام کاظم (ع)، مهدی امت است و همچنان زنده است و در روز موعود، ظهور خواهند کرد. واقفیه‌ها برای اثبات ادعای خود از روایات و به ویژه به روایات مربوط به امام صادق (ع) استناد می‌کردند که به ظهور حضرت مهدی (ع) بشارت می‌داد. (همان)

از جمله کسانی که با همان اعتقاد و انگیزه کتاب نوشته‌اند نویسندگان

زیر هستند:

عبدالله بن جبله بن ابجر کنانی (م ۲۱۹ ق): وی فقیه سرشناس واقفیه (م ۱۹۸ ق) و از اصحاب امام کاظم (ع) بود. یک از آثار ایشان "الصفه فی الغیبه علی مذاهب الواقفه" است.

علی بن حسن جرمی (م ۲۰۵ ق): وی معروف به "طاهری" ساکن کوفه، از اصحاب امام کاظم (ع) و از سران و مشایخ متعصب واقفیه است. در میان آثار ایشان کتاب الغیبه هم مشاهده می‌شود.

حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی: معروف به سالم بطائنی و از مروجان و سران واقفیه است که آثار او: الغیبه، القائم الصغیر، الفتن یا الملاحم و الرجعه می‌باشد. تمام رجالیان شیعی او را جرح کرده‌اند.

حسن بن محمد بن سماعه: وی از اصحاب امام کاظم است و از بزرگان واقفیه بوده و الغیبه از آثار اوست.

علی بن محمد بن علی بن عمر بن ریاح: کتاب الغیبه را نوشته است.

علی بن عمر اعرج: از یاران زکریا بن محمد مؤمن بود؛ ولی واقفی شد.

و نیز کتابی به نام الغیبه را نوشت. (غلامعلی، مهدی: ۱۳۸۶)

علاوه بر واقفیه، فرقه کیسانیه نیز معتقد بودند محمد بن حنفیه زنده است و در پس پرده غیبت منتظر فرمان الهی است. پیروان این گروه نیز از ایده غیبت برای پیشبرد اهداف و عقایدشان استفاده می‌کردند.

همچنین فرقه ناوسیه که معتقد بودند امام صادق (ع) که همان مهدی و امام غایب است، از جمله گروهی بودند که بحث غیبت را به صورت علنی مطرح کردند اما از این فرقه ظاهراً کتابی ثبت نشده است و این فرقه خیلی زود منقرض شد.

یکی از انگیزه‌های تدوین و جمع‌آوری احادیث غیبت و نگارش آن‌ها، مقابله با استفاده ابزاری واقفیه از احادیث غیبت می‌باشد که این حرکت عالمان دینی و اصحاب اهل بیت از زمان امام رضا (ع) شروع شد. تا آن زمان

و پیش از حرکت واقفیه، شیعیان از اظهار این احادیث خودداری می‌کردند، چه اینکه اولاً مباحث غیبت از اسرار درون گروهی به شمار می‌رفت و ثانیاً عموم شیعیان توانایی درک آن را نداشتند؛ چراکه جامعه شیعه هنوز به ضرورت غیبت پی نبرده بود. (همان)

گروه دوم: غیبت نگاری برای آماده سازی جامعه شیعه

کتاب‌های زیادی توسط عالمان شیعه درباره توجیه مسأله غیبت و آماده سازی شیعیان بر غیبت امام زمان به رشته تحریر آمده است. در مقدمه کتاب الغیبه، مرحوم ابو عبدالله نعمانی می‌نویسد که شیعیان در عصر غیبت دچار چند دستگی شدند. «آیا امام زمان همان نیست که ائمه خبر داده‌اند جز عده قلیلی کسی در اعتقاد به وجود و تولد و غیبت او ثابت نمی‌ماند و گفته‌اند دوستانش مورد تمسخر واقع می‌شوند و آن‌ها که به او ایمان دارند مانند کسی هستند که با دست خارهای درخت قتاد را می‌زداید. آیا او همین امام منتظر نیست که در روایات گفته‌اند شخصاً دیده نمی‌شود و غیبتش طولانی می‌گردد و امیرالمومنین فرمود: در راه حق به واسطه کمی نفرات آن واهمه نداشته باشید.» (دوانی، علی: ۱۳۸۵)

قبل از شروع غیبت صغری و در حال حیات امامان عسکرین، کتاب‌هایی نوشته شده است که انگیزه آن‌ها آماده‌سازی شیعیان بر مسأله غیبت بوده است و بعد از غیبت صغری نیز کتابهای پرشماری با همان انگیزه نوشته شده‌اند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» ۴۲ کتاب را نام می‌برد که راویان و دانشمندان شیعه پیرامون غیبت نوشته‌اند. (دوانی،

بی تا: ۲۳۷) و علی دوانی به همان کتاب دو کتاب دیگر را اضافه می کند و از آن ها در کتاب خویش مستقلا نام می برد. (همان ۲۳۷)

شیخ صدوق نویسنده کتاب «کمال الدین و تمام النعمه»، در خصوص انگیزه خویش از نگارش این کتاب می نویسد: «انگیزه من در تألیف این کتاب این بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا (ع) برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آن جا اقامت گزیدم و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می کردند، در امر غیبت نگران و پُرسان هستند و درباره امام قائم (ع) شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده اند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲).

مهدی علیزاده که کتاب سید ثامر هاشم العبیدی را نیز ترجمه کرده و نام ترجمه را در «انتظار قنوس» نامیده در مقدمه این کتاب تلاش کرده است همه کتاب هایی را که در مورد امام زمان توسط دانشمندان شیعه و سنی و به زبان های مختلف و برای سنین مختلف از قبل از شروع غیبت تا تاریخ معاصر نگاشته شده، استقراء و اسامی آنها را در مقدمه کتابش بیان نماید. (نک: هاشم العبیدی سید ثامر: ۱۳۸۷)

گروه سوم: غیبت نگاری برای پاسخ دهی به شبهات مهدویت

آن دسته از علما و دانشمندانی هستند که با انگیزه پاسخ دهی به شبهات مهدویت در مقابله شبهه پراکنی مخالفان مهدویت اقدام به نگارش کتاب در خصوص امام زمان و غیبت حضرت نموده اند.

در آثار این بزرگان علاوه بر استناد بر احادیث اهل بیت از استدلال‌های عقلی و کلامی نیز بهره برده شده است. شیخ طوسی (ره) از زمره عالمانی است که در حدود یکصد سال پس از غیبت حضرت زندگانی می‌کرده است. و در آن زمان مخالفان شیعه به روش عقلی سعی در رد امکان غیبت حضرت نموده‌اند. شیخ طوسی می‌نویسد «من در این کتاب (الغیبه) چنان سخن می‌گویم که هرگونه تردیدی را برطرف سازد و شبهات را ریشه‌کن کند آن هم با رعایت اختصار و اجتناب از تفصیل ملالت‌آور». (دوانی، علی: ۱۳۸۵)

شیخ طوسی زمانی اقدام به حراست از باورهای شیعی می‌نماید که دوره حاکمیت طغرل سلجوقی است که یک حنفی متعصب بوده و حتی به شخص شیخ طوسی هم رحم نمی‌کند و دستور می‌دهد کتابهای او را در میدان شهر آتش زنند.

علاوه بر شیخ طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی و دیگر عالمان نیز در مورد شبهات اهل سنت اقدام به نوشتن کتاب نموده‌اند. مهم‌ترین انگیزه آنها پاسخ‌گویی به شبهات مهدویت بوده است و از آن روز تا به این زمان، فصولی از کتاب‌هایی که در این خصوص نوشته می‌شود مربوط به پاسخ‌گویی به شبهات است.

گروه چهارم: تک نگاری در خصوص مدعیان مهدویت

مدعیان دروغین از جمله راهزنان طریق صحیح و صراط حق مهدویت بوده‌اند که یا با ادعای دروغین مهدویت و یا با برداشت و تفسیر ناصحیح از

اندیشه مهدویت در طول تاریخ مهدویت، مشکلات اعتقادی و فرهنگی فراوانی را ایجاد نموده‌اند.

یک عده از عالمان دینی با تکنگاری در خصوص مدعیان مهدویت و یا جریان‌های انحرافی و فرقه‌ها و گروه‌های منحرف در ردّ این فرقه‌ها و اندیشه و ادعای آن‌ها، اقدام به غیبت‌نگاری نموده‌اند.

در طول تاریخ افراد زیادی ادعای مهدویت و یا نیابت خاص از طرف ایشان را نموده‌اند و این مساله از زمانی آغاز شد که «پس از درگذشت سفیر (نائب) چهارم وکلای امام عصر (عج) ضمن متوقف کردن فعالیت‌های خود، از جمع‌آوری خمس وجوهات امتناع ورزیدند. با انحلال سازمان وکالت مدعیان سفارت امام از جانب امامیه اشخاصی بی‌دین و دغل باز معرفی شدند و دوره غیبت کبری آغاز شد.» (طباطبایی فر، سید محسن: ۱۳۸۳)

یکی از افرادی که بلافاصله در دوره غیبت صغری به ناحق ادعای نیابت امام (ع) را رد کرد، شلمغانی بود. شلمغانی که از یاران امام حسن عسکری (ع) و از محدثان شیعی بود، مدتی در غیاب حسین بن روح، سومین نائب خاص امام زمان به بعضی امور رسیدگی می‌کرد اما گفته‌اند حسادت به مقام حسین بن روح وی را بر آن داشت تا مذهب امامیه را ترک کند.

شلمغانی به دروغ ادعای نیابت امام زمان را نمود و می‌گفت که روح خدا در جسم او حلول کرده است و خود را روح‌القدس نامید و او در نهایت مورد لعن امام زمان قرار گرفت. (ویکی شیعه، ذیل شلمغانی)

در توقیع امام عصر (عج) آمده است: «محمد بن علی معروف به شلمغانی از کسانی است که خداوند کیفر او را تعجیل کند و مهلتی به او عطا نفرماید،

او از اسلام منحرف شده و خود را از آن جدا ساخته است. وی از دین خدا مرتد شده و ادعاهایی می‌کند که دلالت بر انکار ذات خداوند متعال دارد. دروغ‌پردازی و دروغ‌گویی می‌کند. باطل‌ها را بر زبان می‌آورد و متخلف بزرگی است... به او (شلمغانی) لعن می‌فرستیم و لعنت دائم خدا بر او باد». (همان)

شیخ طوسی در کتاب الغیبه در یک باب جداگانه به نام برخی از منحرفان اشاره می‌کند که به دروغ ادعای بابت (نیابت یا سفارت امام) کرده‌اند. او در این باب از اشخاص زیر نام می‌برد:

حسن معروف به شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخر، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی، محمد بن مظفر کاتب ازدی ابودلف.

این اشخاص به عقیده شیخ طوسی نمایانگر انحراف در زمان غیبت صغری بوده و تلاش می‌کرده‌اند که به وسیله این اکاذیب به خواسته‌ها و اهداف طمع جویانه خود برسند. (شیخ طوسی: ۱۳۸۷)

در طول تاریخ اسلام، قبل از غیبت صغری تا به امروز مساله مدعیان دروغین یک مسأله‌ای بوده که عالمان دینی را برای مبارزه با آن‌ها دست به قلم کرده است. این سال‌ها و قرن‌ها مبارزه با بابت و بهائیت و فرقه شیخیه و انجمن حجّتیّه و ... ، همه نمونه‌هایی از تلاش‌های عالمان دینی در مبارزه با این جریان انحرافی بوده است.

گروه پنجم: ترویج فرهنگ انتظار؛ روشی برای اصلاح جامعه

یک عده از عالمان دینی با تحقیق در روایات مرتبط با موضوع غیبت و علائم آخرالزمان و وظیفه انسان منتظر به دنبال مراقبت از حدود فرهنگ دینی مردم بوده‌اند و با بیان و تبلیغ و نشر فرهنگ مهدویت از ظرفیت آن در اصلاح انسان‌ها و جامعه اسلامی بهره برده‌اند.

انتظار فرج طبق حدیث شریف: «افضل العباده انتظار الفرج» افضل عبادت‌ها شمرده می‌شود و جامعه بر اساس این حدیث و امثال آن به جامعه منتظر تبدیل می‌شود و در فرهنگ انتظار عالمان دینی از آن انتظار ترویج و رشد فرهنگ، مقاومت و پایداری در برابر دیگر فرهنگ‌ها و رشد عدالت‌خواهی و مساوات‌طلبی را دارند.

گروه ششم: آینده‌پژوهی و مدیریت جهانی

کسانی که در لابه‌لای احادیث مهدویت و علائم ظهور به دنبال یافتن ایده‌ای برای مدیریت آینده جهان بشری هستند، معتقدند که در فرهنگ اسلامی صراحتاً بیان شده که حکومت جهانی امام مهدی (عج) برای اصلاح همه ملت‌ها و تمامی مردم است و روایات ما گویای این است که امام مهدی (عج) برای اصلاح جهانی و تشکیل حکومت جهانی قیام خواهند نمود.

و عده حکومت جهانی خود گواه این امر است که آخرین منجی آسمانی که ذخیره خداوند برای هدایت انسان‌هاست (بقیه‌الله) موقعی خواهد آمد که تمامی دنیا با همه تفاوت‌ها، دسته‌بندی‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و مرزهای جغرافیایی تبدیل به یک واحد بزرگ گردند و این امر در عصر ما در حال تحقق است؛ به

طوری که همه فرهنگ‌های ملی، نژادها، سرزمین‌های متفاوت در وارد شدن به جهانی ارگانیک و واحد هستند که اختلافات و تفاوت‌ها در آن در حال کاهش است. سطح جهانی چون آخرین فرصت ادیانی آسمانی است و باید بر تمام عالم حکومت کند، از این رو موقعی می‌توان انتظار ظهور او را داشت که جهان به مثابه یک پیکره شود و همه کرانه‌های دنیا متحد شوند. (سایت راسخون، مقاله جهانی شدن و دکترین مهدویت بخش ۲)

این گروه معتقدند که برای ظهور باید مقدمه‌سازی کرد و زمینه‌های آن را مهیا نمود. فصولی از کتاب‌های مرتبط با غیبت‌نگاری به علائم ظهور و یا جهان پس از ظهور می‌پردازد، اما در دهه‌های گذشته موضوع آینده‌پژوهی و مدیریت آینده بسیار جدی مطرح شده است و پژوهشگاه‌هایی برای مطالعه این مساله در کشور مشغول هستند.

تا حدی که عده‌ای معتقد به اختیاری بودن ظهور هستند. علیرضا نودهی در سال ۱۳۸۵ کتابی را تحت عنوان «نظریه اختیاری بودن ظهور» منتشر می‌کند و در این کتاب با استناد به دلایل عقلی و نقلی تلاش نموده‌اند امکان مدیریت و مهندسی ظهور را ثابت نماید. (نودهی، علیرضا: ۱۳۸۵)

نتیجه‌گیری

از دسته‌بندی فوق می‌توان استنباط کرد که نقش قلم و بیان علمای دینی در زمان غیبت امام زمان (عج) به اندازه‌ای بوده است که ایشان با تلاش فراوان در طول سالهای پس از غیبت توانسته‌اند یک مسئله دینی را که خواص شیعیان نیز توانایی درک آن را نداشته‌اند، در سطح جامعه جهانی پرورش داده

و مطرح نمایند و امروز اعتقاد به غیبت امام زمان (عج) و حضور حضرت در آخر الزمان یکی از مسلمات شیعه است و مهدی باوری و منجی باوری هم در دیگر فرق اسلامی و ادیان آسمانس به یک موضوع مسلم تبدیل شده است.

منابع

- دوانی، علی (۱۳۸۵): موعودی که جهان در انتظار اوست، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج). قم.
- شیخ صدوق (۱۳۸۲): ترجمه: پهلوان، منصور. کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۱، مسجد جمکران، قم.
- شیخ طوسی (۱۳۸۷): ترجمه: مترجم مجتبی عزیزی. الغیبه، مسجد مقدس جمکران، قم.
- طباطبایی فر، سید محسن (۱۳۸۳): فقها و حکومت های جور، علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۲۵. قم.
- غلامعلی، مهدی (۱۳۸۶): درآمدی بر غیبت نگاری، بررسی کتابهای غیبت تا قرن پنجم هجری: حدیث اندیشه، شماره ۳.
- نودهی، علیرضا (۱۳۸۵): نظریه اختیاری بودن ظهور. موعود عصر، تهران.
- هاشم العمیدی، سید ثامر (۱۳۸۷): ترجمه: علیزاده، مهدی. در انتظار ققنوس، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، قم.
- سایت راسخون، مقاله جهانی شدن و دکترین مهدویت ۲.
- سایت ویکی شیعه، شلمغانی.